

کیش ومات در سه حرکت

وقتی جناح راست نتوانست در سه دوره انتخابات بدون حضور جدی رقیب، حاکمان بلانمازع بهارستان – دوره یازدهم ودوازدهم- و ریاست جمهوری دوره سیزدهم باشد، تصور می شد که دوران چپ ها – و نسل بعدتر آن ها یعنی اصلاح طلبان – برای همیشه تمام شده است. علاوه بر این، اصولگرایان و جریان راست بودندکه مکرر ومرتب پوست اندازی می کردند وبالاجادشاخه‌ها جدید هم نهادهای انتصابی و انتخابی را به نام خود می زدند واز دانشگاه تا حوزه، از مجلس تا شورای های عالی تا اتاق های خالی انجمن های کوچک و بزرگ را از آن خود می کردند.یک بار در سال ۱۳۷۶ یکی از اصلاح طلبان سرمست از پیروزی به کنایه در گفت وگویی از پایان دوران اصولگرایی خبر داد و جمله‌ای عجیب گفت: «اصولگرایان را دم در نظام گذاشتیم.» بعدهابلته روزگار برای گوینده این جمله عجیب چرخید، همان طور که برای اصلاح طلبان. بزرگ و کوچک در جناح راست اما از اسفند سال ۱۳۹۸که بهارستان زیر سایه اصولگرایان رفت شاید همین حس را داشتند؛ اینکه جریان چپ را دم در نظام گذاشتند و دیگر بازگشتی در کار نیست. آن هامطمئن سرمست از ناامیدی اجتماعی مردم از صندوق های رای وخوشحال از همراهی اپوزیسیون برای تحریم انتخابات، اصلاح طلبان را دم در نظام تصور می کردند و نظام را در حال بستن در به سوی آن ها. بستنی همیشگی که هیچ دقالبایی دیگر نتواند آن را باز کند. راهبرد اصلی آن هااز روی برنامه بیزی یا به ناچار تکثر و تکثیر بود؛ از نواصولگرایان تا تکنوکرات ها تا تلاش برای احیاشیوخ وستنی ها، از شریان وشاناتا چنارها واجوش ها. این تفکیک ها آنقدر زیاد بود که از یک طرف باب امکان وحدت را برای آن هااز بین برد اما دلخوش بودند که در رقابت های بعدی بین خودشان بالاخره چهره و جریانی به شناسنامه «راست» است که از صندوق بیرون می آید. آش یکدست سازی حاکمیت در سه سال گذشته آنقدر شور شد که مکرر هر چهره و جریانی دیگری را از دایره انقلابی خالص بیرون می کرد.

- حذف راست میانه**

سنگ اول را خود شورای نگهبان گذاشت وقتی چهره‌ای همچون علی لاریجانی که زاده جریان راست بود و به رغم اینکه آن ها از او خانه پدریش رانده بودند حاضر نبود تا برای خود شناسنامه اصلاح طلبی بگیرد، درصاحبش کردند. این پیام یک ترکیب سراسر از جریان راست می توانست خیال شورای نگهبان و جریان راست را بیروزی در رقابت راحت کند اما ایجاد یک روزنه کوچک نتیجه‌ای غیرقابل پیش بینی برای آن ها رقم زد. وقتی لشکر چهره های مختلف جریان راست- از قالیباف تکنوکرات و زاکانی و قاضی زاده هاشمی پوپولیست تا پورمحمدی ستنی و جلیلی تندرو- مقابل مسعود پزشکیان صف کشیدند، بسیاری باتکا به آمار و البته اطمینان از نرخ یابین مشارکت پیروزی یک چهره راست را محتوم و حتمی دانستند.

- حذف شاخه های دیگر راست توسط مردم**

با این وجود هر کدام از این چهره ها یک به یک یا خود کنار رفتند یا را برای مردم کنار گذاشته شدند؛ مصطفی پورمحمدی علی رغم اینکه سعی داشت ستاره یکه تاز عرصه رقابت ها باشد در دور اول مغلوبه شد؛ نماد و نشانی از پایان دوران شیوخ و راست ستنی که حتی در پایگاه رای اصولگرایان نیز مورد عنایت و توجه نبود. محمدباقر قالیباف اگر چه بر مدار کارآمدی و کلیدواژه های پرکار و جهادی مانور زیادی داد اما حواشی او را مغلوب کرد- اگرچه قالیبافی هاتازه اول راه تسویه حساب با جریان پایداری و جلیلی خواهند بود، چراکه آن ها را عامل شکست جریان راست در این انتخابات می داندند. قالیباف هم در مرحله نخست حذف شد. قاضی زاده هاشمی که سعی می کرد نماینده گفتمان دولت باشد در عرصه باقی نماند. حتی علیرضا زاکانی که می خواست با اسرار و اجبار خود را رابین هود جریان راست جا بزند، تنها چند روز بعد از خط و نشان کشیدن برای کاندیدای جریای چپ یعنی پزشکیان کناره گیری کرد. مرحله دوم رقابت بین تندروهای جریان راست و مسعود پزشکیان شد. تصویراین بخش از جریان راست به اندازه برای مردم غریب بود که بسیاری که در دور نخست از اعتنا به نتیجه انتخابات در آن شرکت نکرده بودند از هراس قدرت گرفتن این اقلیت جریان ریاست پای صندوق آمدند و نام مسعود پزشکیان را در صندوق انداختند. حالا جریان راست مغلوب در حال زدن نیشه و کنایه به هم هستند. با این وجود و به رغم اینکه این جریان هنوز در نهاد های به جز دولت جاخوش کرده، اما پیروزی پزشکیان پیام پایان عمر سیاسی آن ها را بیان می کند. در نیمه تیرماه سال ۱۴۰۳ می توان با قاطعیت گفت که در یک رقابت سیاسی مشخص شد که عصر تمامی اشکال و انواع جریان راست تمام شده است؛ از پاچوش تا چنار، از پوپولیست تاایدئولوژیست و هر ورزنی که از دنده راست برخاسته است. سوال اصلی این است که دولت را چه عرصه دولت پزشکیان و البته نحوه تعامل و برخورد دیگر دستگاه ها و نهادها و اوقرضتی برای احیا جریان چپ خواهد بود؟ آیا جریان راست که امروز «مره تمام شدن» را می چشد دوباره از خاکستر خود برمی خیزد؟ باید منتظر ماند و دید.

دوشنبه
۰۴ • ۰۴ • ۱۴۰۳
۲۰۲۴
۲۰۲۴
۸ • ۱۴۴۶
۷ • ۱۴۴۶

سال هفتم
شماره ۱۸۷۰

امیررضا واعظی آشتیانی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

تحلیل اشتباه یکی از علل شکست جبهه انقلاب بود

انقلابیون به جای متهم کردن یکدیگر ببینند کجا

اشتباه یا سهم خواهی کردند

آقای قالیباف پیام انتخابات مجلس را جدی

نگرقتند

آرمان ملی - حمید شجاعی؛ شاید زمانی که نتیجه حراز صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم از سوی شورای نگهبان اعلام شد و در کلان ماجرا ۵ کاندیدای اصولگرا در مقابل یک کاندیدای اصلاح طلب قرار گرفتند خودشان هم تصور نمی کردند که تعدد نفراتی نه تنها باعث قوت که باعث ضعف آنها شود و راه را برای تک کاندیدای اصلاح طلب انتخابات باز کند. اما به واقع عدم تحلیل درست از شرایط به ویژه پایگاه رای ۱۸ میلیونی رئیسی و از طرف دیگر برداشت نادرست از اینکه جمعیت حاضر در تشییع رئیس جمهور فقید لزوما به آنها رای نخواهند داد باعث شد تا نه تنها قائل به اجماع و وحدت نشوند بلکه حتی پس از شکست نیز امروز یکدیگر را مقصر جلوه دهند که اگر هر یک کنار می رفت امروز دیگری جای مسعود پزشکیان در باستور بود. اما واقع مساله

پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات و پیروزی آقای پزشکیان حامیان آقای جلیلی و قالیباف به یکدیگر حمله می کنند که اگر اجماع صورت می گرفت و به نفع یکدیگر کناره گیری می کردند شاید نتیجه دیگری رقم می خورد؛ تحلیل شما از این مساله در روزهای پس از انتخابات و شکست سعید جلیلی چگونه است؟

به نظر من باید این نگاه ها را کنار گذاشت که اگر اجماع می شد فلان کس رای می آورد یا فلان شخص، گروه یا جریان سیاسی کوتاهی کرد. اما واگرها تمام شده و ابتدا تا باید ببینیم که این اتفاقات به هر جهت اجتناب ناپذیر است و در تمام گروه های سیاسی وجود دارد. ولی وقتی انتخابات تمام شد دیگر به دنبال اما و اگر و مقصر نگردیم. بلکه باید به دنبال آسیب شناسی برویم و ببینیم که مشکل کجاست. همان موقعی که جبهه پایداری با طیف طرفداران آقای قالیباف ائتلاف کردند من گفتم که این ائتلاف پایدار نخواهد بود و امروز ترکش های آن را می بینیم و مطمئنا در مجلس این چالش قطعاً وجود خواهد داشت و معتقدم در سال دوم مجلس برای ریاست مجلس قطعاًکش وقوس هایی را شاهد خواهیم بود. ولی واقعیت امر این است که در زمان شهید رئیسی که ۱۸

میلیون رای آورد و عده ای تصور می کردند که ۱۸ میلیون می تواند برای انتخابات این دوره هم باشد؛ اما باید گفت در آن دوره مردم از دولت آقای روحانی عبور کرده بودند و عملکرد دولت ها و مجالس در افزایش رای مردم نقش دارد. عملکرد دولت آقای روحانی را یک عده می گویند بد و عده دیگری می گویند خوب بوده است. اما در آن روز مردم به جیب و اقتصادشان نگاه کردند. این مردم در انتخابات ۱۴۰۰ برای عبور از دولت روحانی به دولت رئیسی و جریان حامی او رای دادند. اما شخصیت خود آقای رئیسی هم در این قضیه بی تأثیر نبود است. عملکرد وی در قوه قضاائیه و نوع گفتمان آقای رئیسی نیز اثرگذارتر بوده، اما اینکه بخواهیم همه این موضوع را روی این مطلب را که عملکرد وی صرفا در قوه قضائیه بوده خیر بخشی از این مساله عملکرد دولت ها بوده است. هر چند عملکرد دولت ها می تواند اثر منفی هم برای مشارکت داشته باشد. اما به نظر من انتخابات روز جمعه ۱۴۰۰ خططلانی بر فرضیه تحریم انتخابات بود و مردم قریب به ۵۰ درصد در انتخابات حضور پیدا کردند. شاهد یم که در کشورهای دیگر حتی کشورهای توسعه یافته که ادعای دموکراسی و آزادی دارند زیر ۵۰ درصد مشارکت دارند و اینگونه نیست که حتما ۷۰ تا ۸۰ درصد باشد. ما چون جمهوری اسلامی هستیم همیشه باید انتخابات مان حد اکثری باشد ولی خب دیدیم که در این ارتباط مردم به پیام مقام معظم رهبری توجه کردند و حضور پیدا کردند. حال سلیاق متفاوت است چنانکه که گروهی به آقای جلیلی رای دادند و گروه دیگری هم به آقای پزشکیان رای دادند که قالب رای حداکثری برای آقای پزشکیان صورت گرفت. لذا به جای متهم کردن یکدیگر در خانواده انقلابیون یا اصولگراها باید بروند به این سمت که کجاها اشتباه کردند، کوتاهی شد و منیت ها نقش و سهم خواهی ها نقش پیدا کرد. در عین حال طیف آقای قالیباف تحلیل کنند که وقتی آقای قالیباف در انتخابات مجلس نفر چهارم می شود آیا چنین شخصی این شرایط را می تواند داشته باشد که در انتخابات ریاست جمهوری حضور داشته باشد یا خیر. از سوی دیگر

گفته می شود بنا به گفته برخی نمایندگان مجلس برای ریاست آقای قالیباف در مجلس از وی قول گرفته بودند که به شرایطی به شما رای می دهیم که در انتخابات ریاست جمهوری وارد نشود. آقای قالیباف نیز به رغم اینکه قول داده بود، اما به انتخابات ریاست جمهوری ورود کرد. تیم آقای قالیباف و خودش آسیب شناسی مجلس را جدی نگرفتند که چه اتفاقی افتاد که آقای قالیباف نفر چهارم می شود و جوانی از نسل امروز رتبه دوم یا سوم را به دست می آورد که این آسیب شناسی نیاز داشت.

آیا این رویکردی که می فرمایید را نمی توان در مورد آقای جلیلی و جریان حامی وی هم به کار برد و در نظر گرفت؟
بله؛ تیم آقای جلیلی هم باید این تحلیل ها را به عمل می آورد که وقتی ۶ کاندیداهستند و ۴ نفر از آنها همسو هستند آیا این همسویی چقدر می تواند در رای اوری موثر باشد.

ارمان ملی
armanmeli.ir



این است که پزشکیان به خوبی توانست از نقاط ضعف کاندیداهای اصولگرا استفاده کند و کاری کند تا آنها در زمین او بازی کنند. از همین رو نیز در یک دو قطبی کامل کاندیدای اصلاح طلبان توانست سعید جلیلی، کاندیدای اصولگرایان تندرو را شکست دهد تا نشان دهد که مردم در کدام سمت ایستاده اند. حال مسعود پزشکیان که ار ابتدا بسیاری تصور نمی کردند او به قدرت برسد رئیس جمهور است و دولتش را تشکیل می دهد؛ اما اصولگرایان همچنان به جای آسیب شناسی شکست جلیلی یکدیگر را مورد عتاب و خطاب قرار می دهند. برای بررسی انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، علل شکست اصولگرایان، افزایش مشارکت مردم و برخی بد اخلاقی ها «آرمان ملی» با امیررضا واعظی آشتیانی، فعال سیاسی اصولگرا به گفت وگو پرداخته است که در ادامه می خوانید.

جریان دیگری رای نمی آورد. ولی من نکته ای را می خواهم اشاره کنم و آن هم اینکه مردم با این حضور ثابت کردند که برای تغییر فقط از راهکار انتخابات می شود ورود کرد. یعنی باکف خیابان آمدن چیزی به انجام نمی رسد و فقط رای است. همین چند روز پیش حزب کارگر در انگلستان بعد از قریب به ۱۹ سال باز به قدرت رسید. یعنی مردم انگلستان به این نتیجه رسیدند که تنها راه تغییر محافظه کاران فقط صندوق رای رای است. ما هم باید این موضوع را یک واقعیت بدانیم که اگر نسبت به نمایندگان مجلس، رئیس جمهور یا شورای شهر نتیجه خوبی را نمی بینیم در رای خود تجدیدی نظر کنیم. این تجدید نظر در رای بهترین ابزار است برای دگرگونی است. لذا مردم در این انتخابات این تجدید نظر را احساس کردند و از طرف دیگر هم یک نه به تحریم انتخابات گفتند آمدند و انتخاب خود را انجام دادند. حال که آقای پزشکیان انتخاب شده انشاااا... دولتش موفق باشد و از امروز باید هر کسی در حد بضاعت خود از جمله گروه ها و احزاب و هر جریانی در کشور که می تواند در جهت پیشرفت دولت قدمی بردارد به ایشان کمک کند. مادر دولت آقای روحانی این درخواست کمک را ندیدیم ولی در دولت آقای پزشکیان که در مناظرات خود گفت من ولایتمدارم، یک اصولگرا هستم که اصلاح طلبی را صلاح می بینم این ادبیات نشان می دهد که گروه های سیاسی باید با یکدیگر در کنار هم برای پیشرفت کشور کمک کنند نه اینکه بنشینند دعاکند که دو یک دولت یا مجلسی ناموفق باشد چرا که این رویکرد راه به جایی نمی برد. ما فقط باید در جهت کمک به توسعه کشور، پیشرفت و در عین حال خوب شدن حال کشور و حال مردم همدلی و همسویی را در پیش بگیریم.

نسبت به دور اول انتخابات و ادوار انتخاباتی اخیر در دور دوم شاهد مشارکت بالاتری از سوی مردم بودیم. از نگاه شما این افزایش مشارکت به دلیل ترس مردم از بدتر شدن اوضاع بود یا دلیل دیگری داشت؟

من معتقدم تأکید مقام معظم رهبری در این اتفاق تأثیرگذار بود. ضمن اینکه اگر بگوییم مردم نگران بودند خب به همان تناسب هم رای آقای جلیلی بالا رفت و اختلاف رای آقای جلیلی با آقای پزشکیان دو میلیون و هفتصد هزار است و آنچنان اختلاف فاحشی نیست. ولی ما باید این مشارکت را به پای رقابت مردم بگذاریم که مردم خواستند رقابتی داشته باشد و به این باور رسیده بودند که اگر بنا است تغییری در دولت باشد فقط از راه انتخابات است که می توانند تغییر ایجاد کنند. لذا مردم در دنیا هم متوجه این قضیه هستند که هیچ راهی جز انتخابات برای ایجاد تغییر نیست که بتوانند باورهای خود را دنبال کنند و مطالبات خود را پیگیری کنند. مردم در این دوره از انتخابات هم به فرمایشات مقام معظم رهبری نگاه داشتند و هم اینکه باور مردم این بود که دولت دیگری با نگاه آقای پزشکیان داشته باشیم که این نظر اکثریت محترم است.

شاهدیم که بد اخلاقی های پیش از انتخابات حتی پس از پایان انتخابات نیز ادامه دارد و باز هم یکسری برخورد هایی صورت می گیرد که گویا برخی جریانات از همین ابتدا دنبال اخلال در کار دولت جدید هستند؛ در خصوص این نوع مواججه ها با آنچه که مقام معظم رهبری ادر اساس لزوم همکاری با دولت منتخب می گویند در تضاد نیست؟

البته این اتفاق در تمام دنیا هم هست، اما اگر امروز پس از انتخابات نیز همچنان رعایت یکسری اصول و اخلاق نمی شود من هم معترضم. آقای پزشکیان چه باب نگاه سیاسی بنده باشد چه نباشد به هر جهت رئیس جمهور این کشور است و باید احترام بگذاریم و کمک شود و هر کسی در حد بضاعت خود کمک کند. حال اگر دولت آقای پزشکیان هم علاقه ای نداشته باشد از تفکرات گروه های دیگر و برنامه هایشان استفاده کند یا خیر مقوله ای جاست اما اینکه بخواهد بد اخلاقی شود کار پسنده ای نیست. ما در نظامی زندگی می کنیم که مبتنی بر اسلام است و اسلام هم دین اخلاق، سیاست، تدبر و مدیریت است و باید به گونه ای عمل کنیم که جای نگرانی ایجاد نشود و آقای پزشکیان هم این حق را دارد که تیم خود را بیچند و تصورش هم این است که حتما می تواند موفق باشد.

سیاست

فراسو

«قمار بزرگ» ماکرون و خیز بلند راست افراطی

رای دهندگان فرانسوی روز یکشنبه ۳۰ ژوئن (۱۰ تیر) با حضور بی سابقه در انتخابات پارلمانی زودهنگام فرانسه شرکت کردند. در این انتخابات، سه بلوک سیاسی بزرگ رقابت کردند که عبارت بودند از «اجتماع ملی» وابسته به جریان راست افراطی، ائتلاف میانه‌روی «ائتلاف با هم» به رهبری «امانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه و ائتلاف «جبهه مردمی جدید» متشکل از نیروهای چپ، چپ میانه و سبز. نتایج شمارش آرا در مرحله اول نشان داد که حزب راستگرای «اجتماع ملی» متعلق به «مارین لوپن» حدود ۲۰۳۳ درصد آرا را در مرحله اول به دست آورد و صد‌نشین انتخابات پارلمانی فرانسه شد؛ آرای که حدود پنج درصد بیشتر از ائتلاف جناح چپ «جبهه جدید مردمی» است که ۱۰۲۸ درصد آرا را کسب کرد. ائتلاف میانه‌روی امانوئل ماکرون نیز با حدود ۲۱ درصد آرا در رتبه سوم قرار گرفت. با این نتیجه، فعالان سیاسی بر این باورند که حزب تندرو اجتماع ملی از ۵۷۷ کرسی پارلمان فرانسه، ۲۴۰ تا ۲۷۰ کرسی را به دست می‌آورد؛ جبهه مردمی جدید ۱۸۰ تا ۲۰۰ کرسی و ائتلاف میانه‌روی ماکرون ۶۰ تا ۹۰ کرسی در پارلمان خواهند داشت. این انتخابات پارلمانی در فرانسه در دو مرحله برگزار می‌شود و تکلیف بیشتر کرسی‌ها تا زمان دور دوم رأی‌گیری که دیروز یکشنبه (۷ ژوئیه/۱۷ تیرماه) برگزار شد، مشخص خواهد شد. تنها نامزدهایی که موفق به کسب بیش از ۱۲٫۵ درصد آرا شوند به دور بعدی راه می‌یابند. در این میان وزمان با درخواست لوپن از مردم برای شرکت در دور دوم و تعیین تکلیف کرسی‌ها برای اقیامنده، احزاب دیگر نیز دست به کار شده‌اند به عنوان نمونه ۲۱۸ نامزد نمایندگی پارلمان فرانسه از احزاب دموکرات و چپ‌گرا به نفع سایر نامزدهای هم حزبی خود که در دور اول این انتخابات موفق به کسب آرای بیشتری شده بودند، از شرکت در دور دوم انتخابات پارلمانی فرانسه انصراف داده‌اند. این نمایندگان با هدف استفاده از تمامی راهکارهای قابل تصور برای شکست دادن نامزدهای حزب راست افراطی به رهبری لوپن، دست به این اقدام زدند تا شاید با حذف خود از چرخه رقابت‌های انتخاباتی، باعث شوند که آرای آنها به سید نامزدهای هم حزبی خودشان ریخته شود. هراس این احزاب از حزب دست راستی اجتماع ملی حدود سه هفته پیش وقتی که این حزب در انتخابات پارلمانی اروپا پیروز شد، افزایش یافت. این حزب در پارلمان اروپا تقریباً دو برابر آرا، از ائتلاف میانه‌روی ماکرون پیش افتاد و از همین رو رئیس‌جمهوری فرانسه با وجود اینکه سه سال از عمر دولتش باقی است، در تصمیمی غیرمنتظره پارلمان را منحل کرد. این اقدام ماکرون افکار عمومی را حیرت زده کرد و حتی خشم بسیاری را در میان جناح خود برانگیخت. او از آن به عنوان «لحظه‌ای برای شفاف‌سازی» برای شهروندان دفاع کرد تا تصمیم بگیرند که می‌خواهند چه کسی کشور را اداره کند. البته او در نامه‌ای به فرانسوی‌ها که یک هفته پیش منتشر شد، گفت هر کسی که برنده شود، او از ریاست جمهوری استعفا نخواهد کرد و تا پایان دوره ریاست جمهوری اش در سال ۲۰۲۷ در این سمت خواهد ماند.

چرایی گرایش فرانسوی‌ها به راست افراطی

بخشی از رأی «آری» مردم فرانسه در دور نخست انتخابات پارلمانی به راست افراطی ریشه در واگرایی احزاب مخالف دارد. در گذشته، احزاب راست میانه و چپ میانه این کشور با هم متحد شده بودند تا از قدرت گرفتن حزب راست افراطی «اجتماع ملی» جلوگیری کنند اما این پویایی که در فرانسه «جبهه جمهوری خواهی» نامیده می‌شود، امروزه کمتر از همیشه دیده می‌شود. از دیگر دلایل رویگردانی فرانسوی‌ها از طیف حاکم و گرایش به سمت راست افراطی، مساله کاهش قدرت خرید است. این مساله از پیش از شیوع کرونا با خیزش موسوم به «جلیقه زردها» مطرح بود و با پیامدهای اقتصادی بحران همه‌گیری کرونا و همچنین جنگ اوکراین افزایش یافت. حزب راست افراطی وعده داده که برای افزایش قدرت خرید، نرخ مالیات بر ارزش افزوده حامل‌های انرژی را از ۲۰ درصد فعلی به ۵٫۵ درصد کاهش دهد. همچنین این حزب می‌خواهد مالیات بر ارزش افزوده این حدود یکصد کالای ضروری را در صورت تورم بالا، به حالت تعلیق درآورد. بر اساس نظرسنجی‌ها، این موضوع کاهش قدرت خرید، انگیزه اصلی رای دادن برای ۵۹ درصد از مردم فرانسه بوده است. در سال ۲۰۲۴، حدود ۶۲ درصد از مردم فرانسه یکی اکثریت مردم این کشور گفته‌اند که در آستانه تجربه یک وضعیت ناپایدار و فقر هستند. مساله رقم در سال ۲۰۲۱ به میزان ۵۴ درصد بود. پس از آن، مساله مهاجرت با ۳۹ درصد، در جایگاه دوم و مساله نظام سلامت با ۳۲ درصد در جایگاه سوم قرار دارند. در زمینه امنیت و مهاجرت حزب راست افراطی وعده داده است که قانون حق خاک را برای گرفتن تابعیت فرانسه لغو کند و برای استخدام دولتی‌ها در برخی شغل‌ها محدودیت وضع کند. از نگاه ناظران، عواملی چون ترس از جهانی شدن که در درون خود مخالفت با سیاست‌های اتحادیه اروپا را جای داده، از اصلی‌ترین عوامل در رأی به حزب راست افراطی است. کارشناسان معتقدند که جنبش‌های پوپولیستی در سراسر اروپا در حال توسعه هستند و همگی یک نگرانی را منعکس می‌کند: ترس‌های مرتبط با جهانی شدن؛ راه‌حل این جنبش‌ها به این ترس، بستن درها و مرزهای کشور و بازگشت به جهان قبل از جهانی شدن است. راست افراطی در فرانسه نیز همانند دیگر احزاب راستگرای اروپا خروج از اتحادیه‌ها و بیمان‌های الزام‌آور مانند اتحادیه اروپا و ناتو، یا دست‌کم کاهش سهم پاریس در بودجه این نهادها، دیوارکشی دور کشور برای ایجاد امنیت و بهبود اقتصاد و نیز مقابله با مهاجران و اقلیت‌های قومی – نژادی – دینی را در دستور کار قرار خواهد داد. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که پیروزی راست افراطی در فرانسه که برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم رقم خورده است، در صورتی که در معادله‌های خارجی و تحولات جهانی از قبیل حمایت فرانسه و غرب از اوکراین در جنگ علیه روسیه، نقش شرایط در اتحادیه اروپا، ناتو، بازارهای مالی اروپا و غیره را دچار تحول می‌کند.